

جمهوری اسلامی ایران و آینده‌های محتمل اقتصادی در نظام بین‌الملل تا ۲۰۳۰

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی^۱

سیدرضا موسوی‌نیا^۲

فیروزه رادفر^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

^۱. نویسنده مسئول، استاد تمام گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران. dehghani@atu.ac.ir

^۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران. seyedreza_mousavi54@yahoo.com

^۳. استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران. f_radfar@pnu.ac.ir

چکیده

حوزه اقتصادی طی دهه‌های گذشته تحولات شتابانی را تجربه کرده و بر اساس برآوردها طی سال‌های آینده نیز بر تحولات بین‌المللی تأثیر شگرف و غیرقابل انکاری از جهت جابه‌جایی دولت‌ها در هرم توزیع قدرت جهانی و تغییر مؤلفه‌های قدرت و بازیگری خواهد داشت. همین مسئله درهم‌تنیدگی اقتصاد و سیاست را در محیط نظام بین‌الملل در قرن ۲۱ به وضوح نشان داده و ضرورت آینده‌پژوهی را در این عرصه برای دستگاه سیاست خارجی کشور دو چندان می‌کند. این مقاله به دنبال استخراج روندهای آینده‌ساز اقتصادی در نظام بین‌الملل و پس از برون‌یابی آنها، ترسیم آینده‌های محتمل اقتصادی جهانی تا سال ۲۰۳۰ است تا بر اساس آن‌ها سناریوهای پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در قبال اقتصاد جهانی را تا سال ۲۰۳۰ مشخص نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برای جمهوری اسلامی ایران تا سال ۲۰۳۰ افزایش سهم قدرت‌های آسیایی به‌خصوص چین در اقتصاد و تجارت جهانی، سناریویی مطلوب؛ شتاب اقتصاد دیجیتال و فن‌آوران و اقتصاد خدمات‌محور، سناریویی مرجح مشروط؛ بحران اشتغال در سطح جهانی، سناریویی قابل تحمل؛ آسیب‌پذیری اقتصاد کشاورزی در سطح جهانی، سناریویی نامطلوب و بالاخره آن‌که روند شتابان کشورها به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر نیز سناریویی نامطلوب خواهد بود.

• واژگان کلیدی:

اقتصاد بین‌الملل، ایران، آینده‌پژوهی، قدرت‌های آسیایی.

مقدمه

طی دهه‌های گذشته اقتصاد بین‌الملل شاهد تغییرات بسیار شگرفی بوده است. تأثیر این تغییرات بر محیط سیاسی و امنیتی نظام بین‌الملل از حیث انباشت ثروت و جابه‌جایی قدرت‌ها در هرم توزیع قدرت جهانی و در نتیجه تغییر در بازیگری کشورها به حدی بوده که اقتصاد سیاسی بین‌الملل تبدیل به رشته‌ای مهم در علوم اجتماعی شده است. جهانی‌شدن، انقلاب ارتباطات و اطلاعات، گسترش فناوری‌ها و هوش مصنوعی و در نهایت اقتصاد دیجیتال چنان تأثیرات سریع و عمیقی را در سیستم اقتصادی و تجاری جهان به دنبال داشته که به هیچ وجه وضعیت کنونی قابل مقایسه با اوایل دهه ۹۰ نیست. در نتیجه این تحولات، محیط سیاسی و امنیتی نظام بین‌الملل نیز طی دهه‌های کنونی تا حدود زیادی متحول شده است. وابستگی و پیوستگی بسیار عمیق تحولات اقتصادی، سیاسی و امنیتی موجب شده که دولت‌ها در طرح‌ریزی راهبردهای سیاسی و امنیتی مولفه اقتصادی را نیز به جد در نظر بگیرند. درهم-تنیدگی گسترده اقتصاد جهانی موجب شده بروز کوچک‌ترین بحران اقتصادی در گوشه‌ای از جهان به سرعت تأثیرات خود را در سایر مناطق جهان نیز داشته باشد. به‌عنوان نمونه عواقب جنگ اوکراین با توجه به نقش اوکراین و روسیه در تأمین گندم و سویای جهان موجب افزایش قیمت مواد غذایی در بسیاری از مناطق جهان شده است. بی‌توجهی به روندهای آینده‌ساز اقتصادی و عدم آمادگی برای این تحولات می‌تواند در سال‌های پیش رو تأثیر بسیار مخرب و جبران‌ناپذیری بر منافع کشور داشته باشد. به‌عنوان مثال اگر درباره افزایش یا کاهش وابستگی جهان به سوخت‌های فسیلی مثل نفت و گاز در دهه‌های آینده یا نقش انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر در این میان مطالعه و آینده‌پژوهی صورت نگیرد، ممکن است ایران طی سال‌های آینده وارد بحران‌های جدی‌تری در عرصه اقتصادی و البته سیاسی و امنیتی شود.

بر این اساس این مقاله با طرح این سؤال که آینده‌های محتمل اقتصادی در نظام بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ کدام است؟ و چه سناریوهایی را پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران تا سال ۲۰۳۰ قرار می‌دهد؟، به دنبال استخراج روندهای آینده‌ساز اقتصادی در نظام بین‌الملل و ترسیم آینده‌های محتمل اقتصادی و سناریوها برای جمهوری اسلامی ایران است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برای جمهوری اسلامی ایران تا سال ۲۰۳۰ افزایش سهم قدرت‌های آسیایی به خصوص چین در اقتصاد و تجارت جهانی، سناریوی مطلوب؛ شتاب

اقتصاد دیجیتال و فن‌آوران و اقتصاد خدمات محور، سناریویی مرجح مشروط؛ بحران اشتغال در سطح جهانی، سناریویی قابل تحمل؛ آسیب‌پذیری اقتصاد کشاورزی در سطح جهانی، سناریویی نامطلوب و بالاخره آن‌که روند شتابان کشورها به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر نیز سناریویی نامطلوب خواهد بود.

۱. روش پژوهش: آینده‌پژوهی الگوی امتداد حال

روش پژوهش در این تحقیق، «آینده‌پژوهی»^۱ بر اساس تکنیک الگوی امتداد حال است. در این الگو روندهای آینده‌ساز اقتصادی در محیط نظام بین‌الملل استخراج می‌شود و سپس در ماتریس تاثیر متقابل روندها و رویدادها به منظور استخراج پیشران‌های آینده‌ساز برون‌یابی می‌شوند. پس از استخراج پیشران‌ها، آینده‌های محتمل اقتصادی در نظام بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ ترسیم می‌شوند و سپس بر اساس منافع ملی ایران و تحلیل نظری؛ سناریوهای مطلوب، مرجح، قابل تحمل و نامطلوب ایران در مواجهه با آینده‌های محتمل اقتصادی بین‌الملل ترسیم می‌شوند. در الگوی امتداد حال، ناندیشده‌ها، بینش‌های فوق‌العاده و آینده‌های آشنا، سناریوهای شگفتی‌ساز و یا فاجعه‌آمیز در فرایند سناریوسازی دخالتی ندارند. با این وجود، این یک تکنیک کارآمدی در آینده‌پژوهی است؛ چرا که به جای پیش‌بینی تک‌خطی، چند آینده بدیل را پیش‌روی تصمیم‌گیرنده قرار می‌دهد.

۱. روندها و رویدادهای اقتصادی آینده ساز

۱ - ۳ رشد شتابان اقتصاد دیجیتال و حرکت به سمت اقتصاد فن‌آورانه

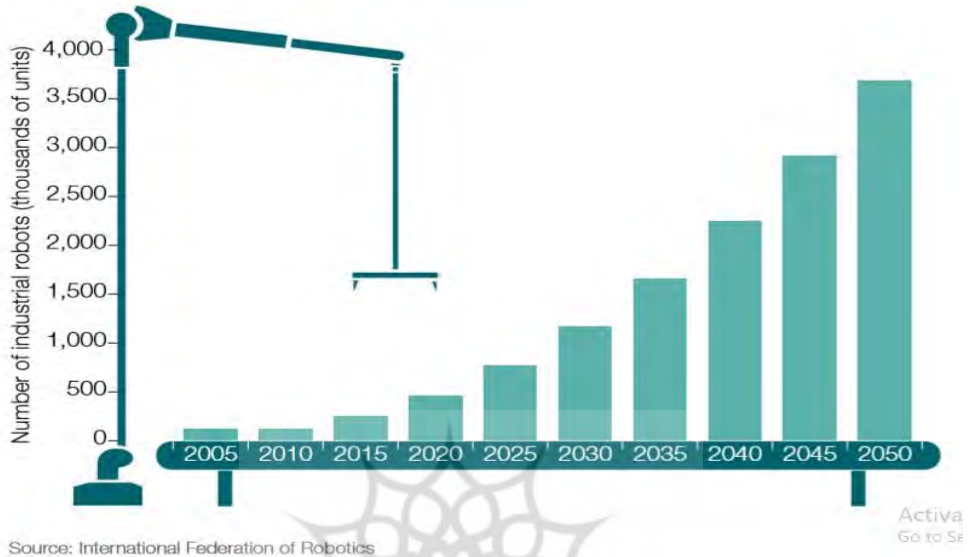
یکی از عوامل تشکیل‌دهنده آینده اقتصاد بین‌الملل تغییر آرایش در فن‌آوری و تکنولوژیکی است که شیوه جدیدی از تولید و توزیع و مصرف را عرضه خواهد کرد و به نوعی طی سال‌های آتی حتی سبک زندگی مردم را نیز تغییر خواهد داد.

داده‌ها نشان می‌دهد که طی دهه‌های آینده، ربات‌ها بخش بزرگی از کارها را در حوزه‌های تولیدی و تجاری بر عهده خواهند گرفت و بدین ترتیب از نقش نیروی کار در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کم خواهد شد.

^۱. Futures studies

نمودار شماره ۱: عرضه جهانی سالانه ربات‌های صنعتی

Estimated global annual supply of industrial robots



منبع: International Federation of Robotics

با حرکت جهان به سمت اقتصاد دیجیتال سهم هوش مصنوعی نیز در اقتصاد جهانی روز به روز در حال افزایش است. هوش مصنوعی در حال ایجاد انقلابی در حوزه‌های نظامی می‌باشد و قدرت‌های بزرگ (آمریکا، چین و روسیه) سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در این زمینه کرده‌اند (Rand,2022). این روند در حوزه اقتصادی و تجاری نیز طی ده‌های آینده تحولات بسیار مهمی را منجر خواهد شد.

نمودار شماره ۲: پیش‌بینی مشارکت هوش مصنوعی در فعالیت‌های اقتصادی تا سال ۲۰۳۰ به تریلیون دلار آمریکا

Projected artificial intelligence contributions to economic activity by 2030 in US \$ trillions (tr)



Source: Visual Capitalist

منبع: Visual Capitalist

توضیح این که تا سال ۲۰۵۰، هوش مصنوعی احتمالاً بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد جهانی خواهد بود. بودجه شرکت‌های نوپا هوش مصنوعی از ۰.۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ به ۱.۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ افزایش یافت و اگر این روند ادامه یابد، صدها میلیارد (شاید تریلیون‌ها) دلار سرمایه می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ تأمین شود. تا سال ۲۰۳۰، هوش مصنوعی می‌تواند تقریباً ۱۵.۷ تریلیون دلار (۱۴٪) به اقتصاد جهانی اضافه کند و چین (که امیدوار است در این فن‌آوری پیش‌رو جهانی باشد) بیشترین سود را خواهد برد. در حالی که هوش مصنوعی احتمالاً مزایای زیادی به همراه خواهد داشت، پذیرش این فن‌آوری با خطراتی همراه است. تأثیر هوش مصنوعی بر مشاغل ممکن است، حداقل در کوتاه مدت، مخرب باشد و ممکن است توسط بازیگران سرکش به طور مخرب مورد استفاده قرار گیرد.

اقتصاد دیجیتال، توسعه سبز و دیجیتال همراه با فشار بر دموکراسی، تغییرات جمعیتی و تولید ناخالص داخلی عواملی هستند که نظم ژئوپلیتیک آینده را شکل خواهند داد. علاوه بر آن در طی سال‌های آینده منابع بسیاری صرف سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مربوط به توسعه هوش مصنوعی، رباتیک و همچنین توسعه فن‌آوری‌های فضایی خواهد شد. (Euobserver, 2021).

در حال حاضر پیش‌بینی می‌شود اقتصاد دیجیتال در ۲۰۲۵ میلادی ۲۴/۳ درصد از تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص دهد. شیوع بیماری کرونا رویدادی بود که زمینه تسریع تغییرات فوق را فراهم ساخت. با شیوع کرونا عملاً اکثر مردم جهان اقبال بسیاری به توسعه کسب و کار دیجیتال و هر آنچه که کسب درآمد را برای آن‌ها ساده‌تر سازد نشان دادند. در آینده نزدیک قسمت قابل توجهی از بودجه کشورها و سازمان‌های مختلف به توسعه اقتصاد دیجیتال اختصاص خواهد یافت. در حال حاضر اتحادیه اروپا بر اساس دستورالعمل جدید ۲۰ درصد بودجه خود را به دیجیتالی‌سازی شدن اقتصاد، سرمایه‌گذاری در ایجاد شبکه‌های اینترنتی پرسرعت، شبکه‌های تلفن همراه، محاسبات ابری و ذخیره داده‌ها و... اختصاص داده است. (Reuters, 2021).

نشریه «فارین افیرز» در گزارش مفصلی تحت عنوان «داده قدرت است» به افزایش نقش اقتصاد دیجیتال به‌عنوان یک روند بسیار مهم در تجارت بین‌الملل اشاره کرده و می‌نویسد: «داده‌های دیجیتال هم اکنون در مرکز تجارت جهانی قرار گرفته است. برای دهه‌های طولانی تجارت بین‌الملل بر روی انواع کالا و خدمات متمرکز بود، اما بعد از وقوع بحران‌های مالی جهانی در دهه قبل، رشد تجارت سنتی کند شد و شاهد انفجار تبادل داده و کسب و کارهای مبتنی بر آن بوده‌ایم. برای اثبات این موضوع تنها می‌توان به گسترش میزان داده دیجیتال تبادل شده از طریق اینترنت اشاره کرد که از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ تقریباً ۱۱۲ برابر شده است.» (Slaughter and McCormick, 2021)

۲-۳ خدمات محور شدن اقتصاد جهانی

یکی از مهم‌ترین روندهای آینده‌ساز در اقتصاد جهانی خدمات محورتر شدن اقتصاد جهانی است. با توسعه بیشتر اقتصادها، شاهد دوری بیشتر از تولید مواد خام و حرکت به سمت بخش خدمات هستیم. حجم قابل توجهی از سرمایه‌گذاری دولت‌ها چه در خاورمیانه چه در سایر مناطق از تولید به سمت خدمات حرکت کرده است. در طی سال‌های اخیر شاهد آن بودیم که به طور تقریبی در کشورهایی با درآمد پایین خدمات ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند که این میزان در کشورهای با درآمد متوسط از ۴۹ تا ۵۴ درصد متغیر است. در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز بخش خدمات حدود ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است که پیش‌بینی می‌شود در یک دهه پیش رو

با افزایش گرایش اقتصاد دولت‌ها به کاهش اشتغال در بخش تولید و افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه اقتصاد دیجیتال هم‌چنان روند صعودی داشته باشد. به علاوه T شاهد افزایش تکیه بخش تولید بر خدماتی مانند مدیریت، تحقیق، طراحی، فروش، تدارکات و مدیریت زنجیره تأمین و امور مالی خواهیم بود (CSIS, 2020:15).

بخش خدمات در اقتصاد جهانی بر اساس تمامی داده‌های موجود طی دهه‌های اخیر رشد کرده و طی دهه‌های آینده نیز به رشد خود ادامه خواهد داد. افزایش خصوصی‌سازی، رشد طبقات متوسط، سیاست‌های دولت‌ها، تغییرات سبک زندگی، افزایش پیری جمعیت در جوامع، رشد اقتصاد دیجیتال و بین‌المللی شدن تجارت روندهایی هستند که تأثیر مستقیمی بر افزایش نقش بخش خدمات در اقتصاد جهانی طی دهه‌های آینده خواهند داشت.

۳-۳ بحران اشتغال در سطح جهانی

در یک دهه آتی یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که اقتصاد کشورهای صنعتی با آن مواجه خواهد بود، پیری و کاهش شدید جمعیت است. ژاپن اولین کشوری است که کاهش و پیر شدن جمعیت را تجربه خواهد کرد. این کشور در ۲۰۵۰ میلادی ۱۵ تا ۲۵ درصد کاهش جمعیت خواهد داشت. جمعیت آلمان نیز از ۸۰ میلیون نفر با ۲ میلیون نفر کاهش در سال ۲۰۳۰ به ۷۸ میلیون نفر خواهد رسید. جمعیت چین نیز ۲۰ درصد در سال‌های ۲۰۳۰ تا ۲۰۵۰ کاهش خواهد یافت و ایالات متحده نیز با مشکلات جدی در حوزه جمعیت مواجه خواهد شد (حیدری، ۱۴۰۰).

پیر شدن جمعیت در اروپا، بحران نیروی کار را در این منطقه تشدید خواهد کرد. تارنمای اینترنتی صندوق بین‌المللی پول در گزارشی در این زمینه می‌نویسد: «پیرتر شدن جمعیت و متعاقب آن کاهش بیشتر رشد بهره‌وری، چالش سیاسی دیگری برای دولتی‌هایی خواهد بود که با تبعات ناشی از بحران‌هایی مانند بحران بدهی‌ها و بیکاری مواجه هستند. انتظار می‌رود که جمعیت منطقه یورو به شکل چشم‌گیری در چند دهه آینده پیرتر شود. این امر در وهله نخست باعث افزایش تعداد بازنشستگان در مقایسه با نیروی کار (افراد بین ۱۵ تا ۶۴ سال) در این منطقه خواهد شد و دوم متوسط سن نیروی کار افزایش خواهد شد که بر این اساس پیش‌بینی می‌شود سهم نیروی کار در رده سنی ۵۵ تا ۶۴ سال تا دو دهه آتی تا یک سوم افزایش یابد. این رقم اکنون ۱۵ تا ۲۰ درصد است. خط مشی‌های سیاسی در حوزه بازار کار بر روی آموزش یا بازآموزی نیروهای کار متمرکز خواهد بود که تأثیر افزایش سن را کاهش خواهد داد. این نتایج به-

طور کامل در مقایسه با وضعیت نیروهای کار در آمریکا مغایرت دارد. پیش‌بینی می‌شود جمعیت نیروی کار در آمریکا اندکی جوان‌تر شود و از این رو تأثیر پیرتر شدن جمعیت بر بهره‌وری قابل اغماض است. (IMF, 17 August 2016)

۳-۴ منطقه‌ای شدن زنجیره تأمین

از زمان تأسیس سازمان گات در اکتبر ۱۹۴۷ میلادی ارزش تجارت کالاهای جهانی به شدت افزایش یافته است. افزایش شدید تجارت کالا، شرکت‌ها را تشویق کرده تا در الگوی تولید جهانی مانند دوره‌های متوالی آزادسازی تجاری، بهبود لجستیک، گسترش اینترنت و... شرکت کنند. با این حال، برخی از عوامل با ایجاد موانعی در راه جهانی‌سازی اقتصاد سبب منطقه‌ای شدن زنجیره تأمین شدند که یکی از مهم‌ترین موارد تغییر در طبقه متوسط جهانی و افزایش اهمیت بخش خدمات در اقتصاد بود. به عبارت دیگر، قرار دادن مراکز تولید در کنار مراکز مصرف مانع از تسریع جهانی‌سازی تجارت کالا شد. با وجود نیروی کار ارزان در مناطقی مثل آسیا و آفریقا، روند منطقه‌ای شدن تأمین می‌تواند بر افزایش وزن این مناطق در اقتصاد جهانی تأثیر قابل توجهی بگذارد. رشد سریع تکنولوژی و شیوع کرونا از دیگر عواملی هستند که زمینه را برای تسریع روند منطقه‌ای شدن زنجیره تأمین فراهم ساختند. شیوع کرونا طی سال ۲۰۱۹ تأثیر شدیدی بر چرخه تأمین کالاهای اساسی در جهان گذاشت و ایده منطقه‌ای شدن زنجیره تأمین را به شدت تقویت کرد (CSIS, 2020:24).

در این میان، نقش هوش مصنوعی را نیز در منطقه‌ای شدن زنجیره تأمین نباید نادیده گرفت. این نکته قابل توجه جدی است که در دورنمای ۲۰۳۰ میلادی هوش مصنوعی ماهیت رشد و فعالیت اقتصادی را تغییر خواهد داد و تولید ناخالص جهانی را ۱۴ درصد (۱۵.۷ تریلیون دلار) تا ۲۰۳۰ میلادی رشد خواهد داد (CSIS, 2020:29).

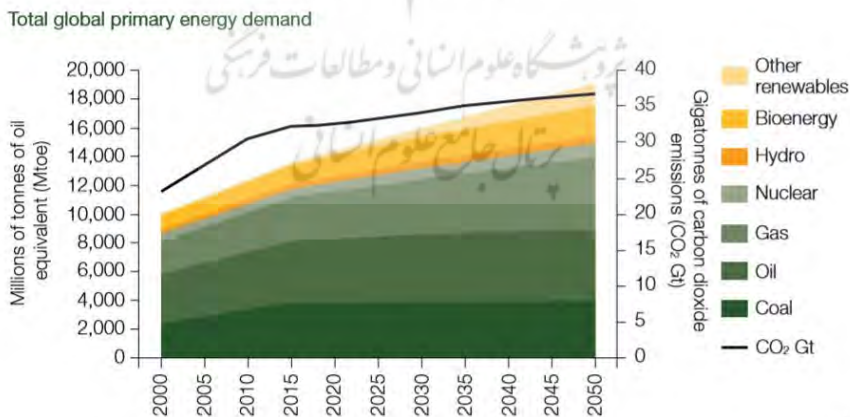
طی سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از بحران کرونا و همچنین جنگ اوکراین زنجیره تأمین جهانی دچار بحران جدی شده است. و بسیاری از مقامات نهادهای مهم بین‌المللی حتی از بروز فحطی گسترده جهانی سخن می‌گویند. خبرگزاری آمریکایی بلومبرگ در گزارشی در همین زمینه می‌نویسد: «زنجیره تأمین جهانی در حال شکسته شدن است. کمبود همه چیز از مواد خام گرفته تا خودرو و وسایل الکترونیک به بالاترین سطح خود نزدیک شده است. نرخ حمل و نقل به بالاترین حد در چند سال اخیر رسیده است و مصرف‌کنندگان با تأخیر و افزایش قیمتی روبرو هستند. نحوه برخورد شرکت‌ها و سیاست‌گذاران با این چالش‌ها بر رشد

اقتصادی تأثیر می‌گذارد و بسیار مهم خواهد بود. امروز ناوگان حمل و نقل کانتینری جهان قدیمی‌ترین ناوگانی است که از سال ۲۰۰۸ تاکنون وجود داشته است؛ بنابراین، حتی بدون بحران شیوع کووید هم شاهد بحران حمل‌ونقل بودیم. بحران زنجیره تأمین به همان اندازه که در اروپای غربی یا ایالات متحده وجود دارد در آسیا نیز در حال رخ دادن است. قیمت بسیاری از محصولات تا حد زیادی توسط سیاست‌های دولت در بخش‌های مهم آسیا کنترل می‌شود (Bloomberg, 27 November 2021).

۵-۳ افت و خیز قیمت نفت

متخصصان حوزه انرژی بر این باورند که سال‌های رونق بزرگ نفتی به پایان رسیده است و به نظر می‌رسد هرچند تا ۲۰۲۵ تقاضای انرژی جهانی افزایشی خواهد بود، اما از زمان مذکور تا قبل از ۲۰۳۰ شاهد کاهش تقاضای جهانی نفت باشیم. یکی از دلایل آن، لزوم مبارزه با افزایش دمای کره زمین و حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر است. افزایش فشارهای زیست‌محیطی بر تولید نفت و گاز، استقرار سریع انرژی‌های تجدیدپذیر، پیشرفت فن‌آوری‌های آب-هوایی و سیاست‌های سبز رو به رشد دولت‌ها، صنعت نفت کشورهای صادرکننده را با خطرات جدی مواجه خواهد ساخت (حیدری، ۱۴۰۰).

نمودار شماره ۳: تقاضای جهانی برای انرژی



Source: International Energy Agency, World Energy Outlook 2017

منبع: International Energy Agency

توضیح: داده‌های سازمان بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد که سوخت نفت احتمالاً تا سال ۲۰۵۰ به‌عنوان بزرگترین منبع انرژی جهان کمتر از یک سوم نیازها را برآورده خواهد کرد. مصرف زغال سنگ به دلیل تعهدات سیاسی دولت‌ها برای مقابله با تغییرات آب‌وهوایی و بهبود کیفیت هوا تثبیت خواهد شد. گاز احتمالاً در اواسط دهه ۲۰۳۰ جایگزین زغال سنگ به‌عنوان دومین منبع انرژی خواهد شد. چین احتمالاً به دومین واردکننده بزرگ گاز، پس از اروپا، و یک بازیگر کلیدی در جهان تبدیل خواهد شد و نکته بسیار مهم حرکت جهان به سمت انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر است. این نوع انرژی‌ها در ۲۰۳۰، ۲۰۴۰ و ۲۰۵۰ جایگاه خود را در بین کشورها تثبیت خواهند کرد.

از دیدگاه شرکت نفتی «بریتیش پترولیوم» جهان از عصر کمبود انرژی به عصر وفور انرژی در حال حرکت است. بخش‌هایی که عطش زیادی برای خرید نفت ایجاد کردند، نیز در حال نابودی هستند. به‌عنوان مثال، تعداد خودروهای الکترونیکی از ۲۰ میلیون در زمان حاضر به ۳۰ میلیون در ۲۰۳۰ افزایش خواهند یافت. فشارهای اجتماعی و افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی پایدار نیز بر تولید سوخت‌های فسیلی اثرگذاری قابل‌توجهی دارد. بانک سرمایه‌گذاری اروپا و دولت انگلیس اعلام کرده‌اند که دیگر از پروژه‌های بین‌المللی در حوزه سوخت‌های فسیلی حمایت نمی‌کنند. با بازگشت همه دولت‌ها به توافق پاریس، اکثر قدرت‌های بزرگ دیگر حمایتی از سوخت‌های فسیلی نخواهند کرد. از دیدگاه «والری مارسل» یکی از تحلیل‌گران برجسته موسسه «چتم هاوس» اوج تقاضای نفت جهانی تمام شده است (حیدری، ۱۴۰۰).

«ویل پرایس» نیز در گزارشی با اشاره به برآوردهای مختلف در مورد تقاضای جهانی نفت می‌نویسد: «ممکن است در سال ۲۰۳۰ خودروهای الکتریکی ۴۰ درصد از کل فروش خودرو را تشکیل دهند. بنابراین تقاضا برای نفت به‌عنوان سوخت حمل و نقل را کاهش می‌دهد. خودروهای الکتریکی احتمالاً در اوایل دهه ۲۰۲۰ آخرین سنگر اصلی رشد تقاضای نفت را از بین خواهند برد (Oilprice, 22 Jan, 2018).

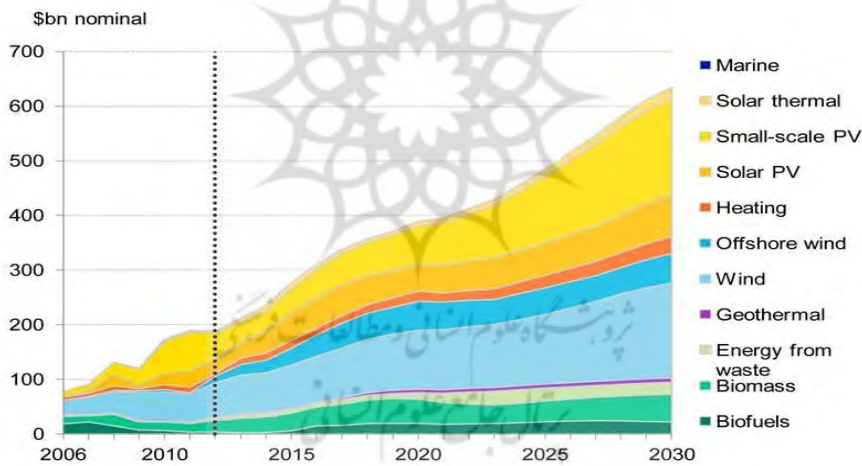
۳-۶ افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر

یکی از کلان روندهای اقتصاد جهانی، افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر است. بسیاری از کنش‌گران جهانی و منطقه‌ای اعلام کرده‌اند که سطح سرمایه‌گذاری خود را در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر افزایش داده‌اند. به دلایل مختلف انرژی‌های پاک مزیت پیدا

کرده‌اند. رشد تکنولوژی این امکان را فراهم می‌کند که انرژی‌های پاک هم مقرون به صرفه‌تر باشند و هم در هزینه - فایده‌ای که کارگزاران پیش‌رو دارند، مانند هزینه‌های زیست‌محیطی و فایده حفظ امنیت انرژی، تمرکز بیشتری بر روی توسعه و گسترش استفاده از انرژی‌های پاک داشته باشند.

در سطح جهانی نیز جنگ اوکراین و تلاش اروپا و آمریکا برای خلاص شدن از وابستگی به نفت و گاز روسیه ضرورت سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های تجدیدپذیر را دوچندان کرده است. در همین رابطه جان کری نماینده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا در امور تغییرات اقلیمی در کنفرانسی در جزیره پالائوگفت: «درگیری‌ها در اوکراین نشان می‌دهد که اکنون زمان روی آوردن به سمت انرژی پاک و مستقل است و تمامی کشورها باید استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر را افزایش دهند.» (ایسنا، ۲۴ فروردین ۱۴۰۱)

نمودار شماره ۴: سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر تا ۲۰۳۰



منبع: Cleantechnica, 2013

توضیح: افزایش محبوبیت و کارایی صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر بر کسی پوشیده نیست و این مسئله نوید دوران جدیدی را طی دهه‌های آینده می‌دهد. تا سال ۲۰۳۰ میلادی بخش انرژی‌های تجدیدپذیر با جهش ۲۳۰ درصدی در سرمایه‌گذاری جهانی به ۶۳۰ میلیارد دلار در سال خواهد رشد. این میزان بیش از سه برابر سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۲ است و ۳۵ درصد

بیشتر از ارقامی است که در آخرین پیش‌بینی جهانی بومبرگ ارائه شده بود. به نظر می‌رسد با حرکت به سمت انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر جهان وارد نقطه عطفی مهم خواهد شد. ایران از جمله کشورهایی است که ظرفیت‌های فنی لازم را برای راه‌اندازی نیروگاه ۴۰ هزار مگاواتی انرژی‌های تجدیدپذیر دارد. با حذف تحریم‌ها انتظار می‌رود ظرفیت تولید برق ایران به اندازه قابل توجهی افزایش یابد. طی توافق‌نامه پاریس در سال ۲۰۱۵ ایران تعهد کرده است که میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را تا ۲۰۳۰ میلادی ۴ درصد کاهش دهد. به طور کلی انتظار می‌رود، تقاضای انرژی تجدیدپذیر در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تا ۲۰۳۲ میلادی از ۵۵ گیگاوات به ۱۲۱ گیگاوات در ۲۰۳۰ افزایش یابد. در سطح جهانی نیز اتحادیه اروپا، چین، آمریکا و... سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در حوزه توسعه زیرساخت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر انجام داده‌اند (حیدری، ۱۴۰۰). در این میان نکته بسیار مهمی که وجود دارد این است که اگر ارزش انرژی‌های هیدروکربنی به دلیل حرکت جهان به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر و سبز کاهش پیدا نکند، طبعاً ارزش ژئوپلیتیکی آن مناطق هم کاهش پیدا می‌کند، در مناسبات بین‌المللی خاورمیانه و حوزه خلیج فارس از جمله همین مناطق می‌باشد.

۷-۳ آسیب‌پذیری صنعت کشاورزی

تغییرات زیست محیطی و بحران آب و گرم شدن زمین طی سال‌های گذشته که مطابق پیش‌بینی‌ها ادامه نیز خواهد داشت، تأثیر مستقیمی بر اقتصاد کشورها داشته است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها که به شدت تحت تأثیر تغییرات آب‌وهوایی است، صنعت کشاورزی می‌باشد. در ۲۰۵۰ میلادی تشدید بحران آب بر اثر سوء مدیریت و همچنین تغییرات زیست‌محیطی سبب به‌وجود آمدن مشکلات جدی در حوزه کشاورزی و تأمین غذا در بسیاری از مناطق جهان خواهد شد. این مسئله در دورنمای ۲۰۳۰ میلادی نیز از مسائل بسیار با اهمیت خواهد بود. این مسئله سبب تشدید بحران پناهجویان شده است و پیش‌بینی می‌شود تا ۲۰۵۰ برخی از کشورهای منطقه غرب آسیا غیر قابل سکونت شوند. در نتیجه، یکی از مهم‌ترین تأثیرگذارترین روندهای اقتصاد جهانی در دورنمای ۲۰۵۰ روند تشدید بحران آب و افزایش آسیب‌پذیری بخش کشاورزی است که خود ایجادکننده روندهای مهمی از جمله روند تشدید منازعات و خشونت در سطح جهانی خواهد بود (حیدری، ۱۴۰۰).

سازمان «ای. او. اس» نیز که در زمینه امنیت غذا و کشاورزی فعالیت می‌کند، در گزارشی با هشدار درباره خطر تأثیرات تغییر در شرایط اقلیمی بر کشاورزی می‌نویسد: «تغییرات آب-وهوایی شرایط مطلوب برای رشد محصولات کشاورزی را تغییر داده و زنجیره غذا در آینده را در معرض آسیب قرار داده است. در بیشتر مناطق جهان تغییرات آب‌وهوایی شرایط رشد محصولات کشاورزی را تغییر داده و آینده آن را غیرقابل پیش‌بینی کرده است. وضعیت برای کشاورزان نیز برای کاشت و پرورش محصولات کشاورزی برای تأمین غذای کافی در مقابل افزایش تقاضا دشوارتر شده است. زمین‌های کشاورزی کوچک که حدود ۹۰ درصد از ۵۷۰ میلیون زمین کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهند، به‌ویژه در مقابل تغییرات آب‌وهوایی فصلی آسیب‌پذیر هستند (ایرنا، ۱۰ بهمن ۱۳۹۹).

برخی معتقدند تکنولوژی و فن‌آوری می‌تواند به کمک بشر بیاید و تأثیرات تغییرات آب‌و-هوایی را بر صنایع مختلف و از جمله صنعت کشاورزی تا حدودی کاهش دهد. اما اقدامات دولت‌ها در این زمینه از تغییرات آب‌وهوایی بسیار عقب‌تر است و بسیار بعید به نظر می‌رسد که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، فن‌آوری تأثیر چشم‌گیری بر این مسئله داشته باشد و احتمالاً تأثیرات فن‌آوری بر این مسئله تا سال ۲۰۴۰ یا ۲۰۵۰ میلادی محسوس خواهد بود (شکری، ۱۴۰۰).

در ایران نیز بخش کشاورزی کشور به دلیل تغییرات شدید آب‌وهوایی مثل خشک‌سالی، افزایش دمای هوای، کاهش بارندگی، کمبود آب، عدم استفاده درست و علمی از سفره‌های آب زیرزمینی و اصول علمی کشاورزی وضعیت بحرانی پیدا کرده است. داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که علی‌رغم بحرانی بودن اوضاع کشاورزی ایران، این بخش درصد بسیار ناچیزی تسهیلات پرداختی شبکه بانکی کشور را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۱: تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی در سال ۱۳۹۹

سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات پرداختی شبکه بانکی
(هزار میلیارد ریال)

	سهم از کل (درصد)		درصد تغییر	مبلغ	
	۱۳۹۹	۱۳۹۸		۱۳۹۹	۱۳۹۸
کشاورزی	۶۷	۷۷	۶۹/۳	۱۲۶۵/۳	۷۴۷/۵
صنعت و معدن	۳۰/۵	۳۲/۵	۸۲/۷	۵۷۹۷/۲	۳۱۷۲/۴
مسکن و ساختمان	۵/۵	۷/۰	۵۲/۷	۱۰۴۸/۷	۶۸۷/۰
بازرگانی	۱۷/۵	۱۹/۰	۷۹/۴	۳۳۲/۰	۱۸۵/۹
خدمات	۳۹/۲	۳۳/۷	۱۲۶/۵	۷۴۴۳/۵	۳۲۸۵/۹
متفرقه	۰/۶	۰/۱	۱۷۲۶/۴	۱۱۴/۶	۶/۳
جمع کل	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۹۴/۸	۱۸۹۸۹/۲	۹۷۴۹/۹

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۹۹

براساس گزارش بانک مرکزی در سال ۱۳۹۹، کل مبلغ تسهیلات پرداختی بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی به بخش کشاورزی معادل ۱۲۶۵.۳ هزار میلیارد ریال بود که در مقایسه با سال قبل از آن ۶۹.۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. با این وجود در سال ۱۳۹۹، بخش کشاورزی تنها ۷.۶ درصد از تسهیلات پرداختی به کل بخش‌های اقتصادی را به خود اختصاص داد. در این سال ۶۵.۸ درصد از تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به بخش کشاورزی با هدف تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز فعالان اقتصادی این بخش صورت گرفته است (بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۹۹). به نظر می‌رسد علی‌رغم وضعیت بحرانی بخش کشاورزی و به دلیل وضعیت اعتباری کشور دولت قادر به تأمین اعتبار و سرمایه‌گذاری زیربنایی در شاخص‌های بحرانی بخش کشاورزی نبوده است.

در بخش تجارت خارجی بخش کشاورزی نیز به خوبی می‌توان نشانه‌های بحرانی بودن وضعیت را حس کرد. کشور در بخش کالاهای استراتژیک مثل گندم و جو به خود کفایی نرسیده است و نیازمند خرید از بازارهای جهانی می‌باشد. از سوی دیگر به دلیل بحرانی بودن وضعیت آب در کشور نمی‌توان در برخی محصولات به خودکفایی رسید و ضرورت همکاری منطقه‌ای و جهانی برای قطع نشدن زنجیره‌های تأمین در این بخش به خوبی احساس می‌شود.

جدول شماره ۲: ارزش صادرات بخش کشاورزی ایران در سال ۱۳۹۹

گروه دام و طیور و دارویی	ارزش (میلیون دلار)		درصد تغییر	سهم از کل (درصد)	
	۱۳۹۹	۱۳۹۸		۱۳۹۹	۱۳۹۸
گروه دام و طیور و دارویی	۷۲۸	۶۸۵	۵/۹	۱۱/۰	۱۲/۴
گروه شیلات	۲۵۰	۲۰۹	۱۶/۴	۳/۴	۴/۳
گروه محصولات زراعی	۲۱۰۲	۲۰۷۸	۱/۲	۳۳/۵	۳۵/۹
گروه محصولات باغی	۲۷۴۹	۳۲۰۷	۱۶/۷	۵۱/۶	۴۶/۹
جنگل و مرتع	۳۱	۳۲	۱/۴	۰/۵	۰/۵
جمع کل	۵۸۵۹	۶۲۱۰	۶/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

ماخذ: وزارت جهاد کشاورزی

جدول شماره ۳: ارزش واردات بخش کشاورزی ایران در سال ۱۳۹۹

گروه دام و طیور و دارویی	ارزش (میلیون دلار)		درصد تغییر	سهم از کل (درصد)	
	۱۳۹۹	۱۳۹۸		۱۳۹۹	۱۳۹۸
گروه دام و طیور و دارویی	۱۴۸۵	۷۵۷	-۴۹/۰	۶/۹	۱۱/۶
گروه شیلات	۷۲	۴۸	-۳۳/۹	۰/۴	۰/۶
گروه محصولات زراعی	۹۷۰۷	۸۸۰۶	-۹/۳	۸۰/۷	۷۶/۱
گروه محصولات باغی	۱۴۲۱	۱۲۳۹	۱۳/۴	۱۱/۴	۱۱/۲
جنگل و مرتع	۵۵	۵۸	۵/۱	۰/۵	۰/۴
جمع کل	۱۲۷۵۰	۱۰۹۰۷	-۱۴/۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

ماخذ: وزارت جهاد کشاورزی

منبع: وزارت جهاد کشاورزی

براساس گزارش وزارت جهاد کشاورزی و مبتنی بر اطلاعات گمرک جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۹ حدود ۸.۸ میلیون تن انواع کالای کشاورزی به ارزش ۶.۲ میلیارد دلار به خارج از کشور صادر شد که در مقایسه با سال قبل از آن از نظر مقدار و ارزش به ترتیب ۲۳.۶ و ۰.۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. میانگین ارزش هر تن کالای کشاورزی صادراتی نیز ۷۰۳ دلار بود که نسبت به سال قبل از آن معادل ۱۴.۲ درصد کاهش نشان می‌دهد. در سال ۱۳۹۹ حدود ۲۳.۷ تن محصولات مختلف کشاورزی به ارزش ۱۰.۹ میلیارد دلار وارد کشور شد که نسبت به سال قبل از آن از نظر مقدار و ارزش به ترتیب ۵/۵ و

۱۴.۵ درصد کاهش نشان را می‌دهد. متوسط ارزش هر تن کالای وارداتی کشاورزی نیز حدود ۴۶۰ دلار بود که نسبت به سال قبل از آن ۹.۴ درصد کاهش نشان می‌دهد. آمارهای وزارت کشاورزی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹، در مجموع ۱۶.۱ میلیون تن غلات شامل گندم، برنج، جو و ذرت به ارزش ۴.۸ میلیارد دلار وارد کشور شد که در مقایسه با سال قبل از آن به لحاظ وزن ۴.۶ درصد افزایش و از لحاظ ارزش ۵/۵ درصد کاهش نشان می‌دهد

تحولات ناشی از واردات و صادرات محصولات کشاورزی موجب شد که در سال ۱۳۹۹، کسری تراز بازرگانی این بخش در مقایسه با سال ۱۳۹۸ حدود ۳۱.۸ درصد کاهش یابد و به ۴.۷ میلیارد دلار برسد. در میان زیربخش‌های کشاورزی، گروه محصولات زراعی با ۶.۷ میلیارد دلار، بیشترین کسری تراز بازرگانی را به خود اختصاص داد. بررسی تحولات تجارت خارجی بخش کشاورزی طی سال‌های ۱۳۹۵ - ۱۳۹۲ اگر چه نشان دهنده کاهش کسری تراز بازرگانی به طور متوسط سالانه به میزان ۲۱.۹ درصد است، با این وجود کسری تراز بازرگانی طی سال‌های ۱۳۹۹ - ۱۳۹۶ متاثر از کاهش صادرات و افزایش واردات، به طور متوسط سالانه ۱۱ درصد افزایش داشته است.

جدول شماره ۴: تراز بازرگانی بخش کشاورزی در سال ۱۳۹۹

صادرات	واردات	ارزش	کسری یا مازاد تراز بازرگانی		وضعیت تراز تجاری
			درصد تغییر نسبت	به سال قبل	
گروه دام و طیور و دارویی	۶۸۵	۷۵۷	-۷۲	۹۰.۴	خالص واردکننده
گروه شیلات	۲۰۹	۴۸	۱۶۱	-۹۳	خالص صادرکننده
گروه محصولات زراعی	۲۰۷۸	۸۸۰۶	۶۷۲۸	-۱۱.۵	خالص واردکننده
گروه محصولات باغی	۳۲۰۷	۱۲۳۹	۱۹۶۹	۴۹.۴	خالص صادرکننده
جنگل و مرتع	۳۲	۵۸	۲۶	۱۰۰	خالص واردکننده
جمع کل	۶۲۱۰	۱۰۹۰۷	-۴۶۹۷	-۳۱.۸	خالص واردکننده

ماخذ: وزارت جهاد کشاورزی

منبع: وزارت جهاد کشاورزی

در مورد شاخص بسیار مهم ضریب خود ا تکایی نیز وضعیت بخش کشاورزی کشور مطلوب به نظر نمی‌رسد. بررسی ساختار تولید، واردات و صادرات غلات (شامل گندم، برنج، جو و ذرت) در کشور نشان دهنده آن است که متوسط ضریب خود ا تکایی غلات عمده طی سال‌های ۹۹ -

۱۳۸۷ معادل ۶۰.۱ درصد بوده است. وابستگی کشور به واردات غلات موجب شده است که طی سال‌های ۹۹ - ۱۳۸۷، به طور متوسط سالانه حدود ۴.۲ میلیارد دلار ارز جهت واردات غلات اختصاص یابد. ضریب خوداتکایی دو محصول گوشت قرمز و گوشت مرغ از شرایط مناسبی برخوردار می‌باشد؛ به طوری که طی سال‌های ۹۹ - ۱۳۸۷ متوسط نسبت سالانه تولید داخلی به مصرف این محصولات به ترتیب ۸۷.۳ و ۱۰۰.۸ درصد بوده است. بررسی وضعیت عملکرد تولید و تجارت دانه‌های روغنی و فرآورده‌های آن نیز طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ضریب خوداتکایی در تولید دانه‌های روغنی، کنجاله دانه‌های روغنی و روغن نباتی خام در سطح پایین قرار دارد و عمده نیاز کشور از طریق واردات تأمین می‌شود؛ به طوری که طی سال‌های ۹۹ - ۱۳۸۷، به طور متوسط به ترتیب تنها ۳۰.۵ و ۴۰.۳ و ۳۰.۰ درصد از دانه‌های روغنی، انواع کنجاله دانه‌های روغنی و روغن نباتی خام از محل تولید داخلی تأمین شده است. شرایط مزبور موجب شده است که به طور متوسط سالانه ۳۰ میلیارد دلار ارز برای واردات دانه‌های روغنی و فرآورده‌های آن اختصاص یابد (بانک مرکزی، خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۹۹)

جدول شماره ۵: ضریب خوداتکایی محصولات عمده کشاورزی در ایران

متوسط سال‌های	سال				
	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۷		
۱۳۸۷ ۹۹					
۶۰/۱	۵۷/۳	۵۸/۲	۵۹/۸	غلات	گروه محصولات غلات
۸۱/۳	۸۰/۷	۹۶/۷	۱۰۱/۷	گندم	
۵۸/۲	۷۴/۰	۶۳/۵	۵۵/۶	برنج	
۶۴/۶	۶۷/۵	۴۶/۶	۵۴/۰	جو	
۲۱/۳	۹/۹	۱۰/۸	۹/۵	ذرت	
۳۰/۵	۱۸/۲	۲۱/۶	۱۶/۰	دانه‌های روغنی	گروه محصولات دانه‌های روغنی
۴۰/۳	۵۲/۸	۴۷/۹	۶۰/۶	کنجاله دانه‌های روغنی	
۳۰/۰	۴۰/۷	۳۶/۵	۴۳/۹	روغن نباتی خام	
۸۷/۳	۹۶/۲	۸۳/۳	۸۴/۰	گوشت قرمز	گروه محصولات پروتئینی
۱۰۰/۸	۱۰۳/۰	۱۰۱/۲	۱۰۲/۳	گوشت مرغ	
۵۷/۹	۵۷/۰	۵۶/۷	۵۸/۶		متوسط ۹ قلم

منبع: بانک مرکزی، خلاصه وضعیت تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۹

۸-۳ افزایش بدهی عمومی

انتظار می‌رود بدهی عمومی به عنوان یک محدودیت مهم در گزینه‌های مالی و سیاستی تا سال ۲۰۳۰ و پس از آن عمل کند. توانایی دولت‌ها برای تحت کنترل درآوردن بدهی‌ها و یافتن راه‌های جدید برای ارائه خدمات عمومی بر ظرفیت آن‌ها برای پاسخ‌گویی به چالش‌های بزرگ

اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تأثیر می‌گذارد (Future State 2030, 2014). بدهی‌های مالی کشورهای جهان که به علت شیوع بیماری همه‌گیر کووید - ۱۹ به‌طور بی سابقه‌ای افزایش یافته است و با تغییرات آب‌وهوایی، سنگین‌تر نیز می‌شود تا حدی که ممکن است برخی کشورها از عمل به تعهدات مالی خود ناتوان شوند. تعهدات پرهزینه بسیاری از دولت‌ها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، بدهی‌های عمومی بسیاری از کشورهای جهانی را افزایش داده است، به طوری که بدهی جهانی، در سال ۲۰۲۱ میلادی ۶۲.۵ هزار میلیارد دلار (۵۳.۲۳۰ هزار میلیارد یورو) برآورد شده است. این میزان بدهی‌ها تنها برای پایان سال ۲۰۲۰ میلادی است. تخمین زده می‌شود بدهی جهانی تا سال ۲۱۰۰، به حدود ۵۴ تا ۶۹ تریلیون دلار خواهد رسید. این در حالی است که کل تولید ناخالص داخلی تا این سال حدود ۸۰ تریلیون دلار خواهد بود (Reuters, 2021).

در سال جاری میلادی (۲۰۲۲) نیز شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری «هندرسون» در گزارشی که رویترز آن را منتشر کرده از افزایش نزدیک به ۱۰ درصدی بدهی عمومی دولت‌های جهان خبر داده و نوشت: «بدهی دولتی در دو دهه گذشته سه برابر شده است. امسال نیز (۲۰۲۲) بدهی جهانی دولتی ۹.۵ درصد افزایش می‌یابد و به رکورد ۷۱.۶ تریلیون دلار می‌رسد که توسط ایالات متحده، ژاپن و چین هدایت می‌شود. دولت‌ها در سرتاسر جهان از زمان شیوع همه‌گیری کووید - ۱۹ در دو سال پیش، وام‌گیری را افزایش داده‌اند، زیرا تلاش کردند از اقتصاد خود در برابر پیامدهای این ویروس محافظت کنند. بدهی دولت جهانی در سال ۲۰۲۱ به رکورد ۶۵.۴ تریلیون دلار در مقایسه با ۵۲.۲ تریلیون دلار در ژانویه ۲۰۲۰ رسید.» (Reuters, April 2022).

۳-۹ افزایش نقش قدرت‌های آسیایی در اقتصاد بین‌الملل

یکی از مهم‌ترین روندهای اقتصادی در طی سال‌های اخیر که شواهد حاکی از تداوم آن هست، انتقال قدرت اقتصادی از اروپا و آمریکا به سمت آسیا است. بسیاری از کارشناسان حوزه اقتصاد - سیاسی بین‌الملل قرن ۲۱ را قرن آسیایی می‌نامند. در طی این قرن، اقتصادهای نوظهور به‌ویژه در آسیا میلیون‌ها نفر را از فقر نجات می‌دهند و در عین حال تأثیر بیشتری بر اقتصاد جهانی دارند. با توازن مجدد قدرت جهانی، هم نهادهای بین‌المللی و هم دولت‌های ملی به تمرکز بیشتر بر حفظ شفافیت و فراگیری دسترسی برابر به منابع، فرصت‌ها و خدمات نیاز دارند (Future State 2030, 2014).

جدول شماره ۶: بخشی از شاخص‌های اقتصادی قدرتهای در حال ظهور و در حال توسعه

	نرخ تورم		رشد اقتصادی		تراز حساب جاری به تولید ناخالص داخلی	
	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۱۹
جهان	-	-	۳/۲	۳/۵	-۳/۳	۲/۸
اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه	+۰/۶	+۰/۱	۵/۱	۵/۱	-۲/۲	۳/۶
کشورهای در حال توسعه آسیایی	۱/۷	+۰/۶	۳/۱	۳/۳	-۱/۰	۵/۳
چین	۲/۰	۱/۰	۲/۴	۲/۹	۲/۳	۵/۸
هند	۱/۰	-۰/۹	۶/۲	۴/۸	۸/۰	۴/۰
آسه‌آن (ASEAN) (۱)	۱/۸	۱/۱	۱/۴	۲/۱	-۳/۴	۴/۸
اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه اروپایی	+۰/۰	۱/۳	۵/۴	۶/۶	-۲/۰	۲/۴
روسیه	۲/۲	۳/۸	۳/۴	۴/۵	-۳/۱	۲/۰
ترکیه	-۵/۱	۰/۹	۱۲/۳	۱۵/۲	۱/۸	۰/۹
خاورمیانه و آسیای مرکزی	-۳/۱۰	+۰/۵	۱۰/۲	۷/۴	-۲/۹	۱/۴
آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	+۰/۲	-۱/۷	۶/۴	۷/۷	-۷/۰	+۰/۲
برزیل	-۰/۹	-۲/۷	۳/۲	۳/۷	۴/۱	۱/۴
مکزیک	۲/۵	-۰/۳	۳/۴	۳/۶	۸/۲	-۰/۱
جنوب آفریقا	-۳/۷	-۳/۷	۱۰/۸	۸/۵	-۱/۹	۳/۲

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹

توضیح: بحران کرونا طی سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تأثیر شدیدی بر وضعیت اقتصادی جهان و اقتصاد قدرتهای نوظهور داشت. به عنوان مثال نرخ رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۲۰ به ۳.۵ درصد کاهش نسبت به سال ۲۰۱۹ به ۲.۳ درصد رسید که کمترین میزان نرخ رشد اقتصادی در این کشور از سال ۱۹۷۶ محسوب می‌شود. تا سال ۲۰۵۰ آسیا بیش از نیمی از اقتصاد جهان را در اختیار خواهد داشت. این امر می‌تواند روی مسائل مختلفی از محیط زیست گرفته تا قدرت نظامی تأثیر بگذارد. با وجود این انتظار نداشته باشید، چین تا سال ۲۰۵۰ بر همه چیز سلطه داشته باشد. تولید ناخالص داخلی چین (GDP) تا سال ۲۰۵۰ بالای ۷۰ تریلیون دلار خواهد بود یعنی ۸۰ درصد بیشتر از تولید ناخالص داخلی آمریکا. با این وجود آمریکا تنها کشوری از میان کشورهای فعلی گروه هفت خواهد بود که در آن زمان همچنان یکی از هفت اقتصاد بزرگ دنیا باقی خواهد ماند. سایر کشورهای گروه هفت در واقع از چین، هند، برزیل، روسیه، اندونزی و مکزیک عقب خواهند ماند. در آن زمان دیگر واقعاً در عصر بازارهای نوظهور زندگی خواهیم کرد (اندرو، فرانکلین، ۲۰۱۶).

در مورد رشد اقتصاد چین در آسیا مسئله «جاده ابریشم نوین» باید مورد توجه قرار بگیرد که به عنوان مهم‌ترین نماد رقابت چین و آمریکا در حوزه اقتصادی محسوب می‌شود. بدون درک این راه ابریشم نوین و این که برخلاف آن چه که بسیاری تصور می‌کنند که مجموعه‌ای از

پروژه‌های اقتصادی و در نتیجه یک نیروی ژئواکونومیک است، پروژه «راه ابریشم نوین» دارای پیامدهای ژئوپلیتیکی می‌باشد. در واقع چین برای در هم شکستن محاصره‌شدگی توسط آمریکا در شرق آسیا و به‌طور کلی محیط اقیانوس آرام این پروژه را پیش می‌برد. این محاصره از سوی آمریکا از طریق کره جنوبی، ژاپن، فیلیپین، ویتنام، کل دریای چین جنوبی پی‌گیری می‌شود. ظهور سازوکارهای چندجانبه مثل «کوآد»^۱ و «اکوس»^۲ هم بخشی از آن است. در واقع پروژه راه ابریشم نوین پاسخ ژئوپلیتیکی چین به آمریکا برای دور زدن این روند محاصره‌شدگی بود. چین به خوبی می‌داند که قدرت سه وجهی می‌باشد یک جنبه آن زور برهنه است. مثل توپ، تانک، هسته‌ای و... دوم پول و اقتصاد است، و سوم ایده گفتمان و ایدئولوژی. چین می‌داند که نه در حوزه زور و اجبار و نه در حوزه ایده و گفتمان قادر به مقابله با آمریکا نیست. چین هنوز توان رقابت در دو حوزه ایده و نظامی‌گری را مقابل آمریکا ندارد. به همین خاطر بازی خود را در حوزه اقتصادی طراحی کرده است و از قدرت اقتصادی برای دستیابی به اهداف کلان ژئوپلیتیک می‌خواهد استفاده کند. در مقابل آمریکا می‌خواهد این پروژه ژئواکونومیک را از طریق ابزار نظامی مهار کند و بازی را به سمتی سوق بدهد که خود در آن دست برتر دارد (رئیس‌ی نژاد، ۱۴۰۱).

۳-۱۰ رشد ملی‌گرایی اقتصادی

در نیمه دوم قرن بیستم، اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ شاهد اوج‌گیری رویکردهای اقتصادی بودیم که به نفولبرالیزم مشهور است، یعنی به نوعی کاهش اقتدار دولت و صلاحیت مسئولیت آن در مداخله بازار. روندهای جهانی اما نشان می‌دهد اکنون در مسیر بازگرداندن یا احیای نقش دولت در ساماندهی اقتصادهای ملی و پذیرش نقش بیشتر برای آن‌ها هستیم. در روند افول هژمونی به نظر می‌رسد که ناگزیر به سمت سیاست‌گذاری‌ها در اقتصاد کلان به سمت ملی‌گرایی بیشتر هستیم. این بازگشت به ملی‌گرایی اقتصادی (مرکانتالیسم) نیست، اما می‌توان ادعا کرد به سمت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌محورتر پیش خواهیم رفت. اگرچه که دولت‌ها با توجه به شرایطی که گذرانده‌اند در طول چند دهه اخیر، ابزارهای خیلی جدی‌ای را از دست دادند (حداد، ۱۴۰۰).

^۱. Quadrilateral Security Dialogue (Quad)

^۲. AUKUS

جنگ اوکراین و تحولاتی مثل بحران کرونا و جهانی‌زدایی باعث شده که برخی از کارشناسان به این نتیجه برسند که جهان در قرن ۲۱ شاهد ملی‌گرایی اقتصادی خواهد بود (Schuman, 2022). جهانی‌زدایی شاید بتواند بر محلی شدن و بومی‌گرایی فرهنگی تأثیر بگذارد، اما به باور کارشناسان و با توجه به روندهای بسیار درهم‌تنیده اقتصاد جهانی و افزایش مستمر سطح تجارت بین‌المللی و جریان سرمایه (Future State 2030, 2014) و همچنین تأثیری که فن‌آوری و اقتصاد دیجیتال بر تجارت بین‌الملل می‌گذارد، جهان بعد از این دیگر شاید نتواند شاهد ملی‌گرایی اقتصادی در سطحی که در قرن ۱۹ میلادی شاهد آن بود، باشد (دهقانی، نشست علمی، ۱۴۰۱).

در اینجا باید میان ملی‌گرایی اقتصادی به مفهوم افزایش مداخلات دولت‌ها در اقتصاد و ملی‌گرایی اقتصادی به مفهوم گرایش به سمت خودکفایی اقتصادی تفکیکی قائل شویم. در حوزه اقتصاد ما شاهد گذار از اقتصاد بازار آزاد به سمت بازآفرینی اقتصادهای ملی هستیم. یعنی این چرخه‌ها و روندها در طول این چند قرن اخیر مشهود بوده، مشخصاً چه در اقتصاد داخلی و چه در اقتصاد بین‌المللی و ما در واقع در مرحله بازگشت این چرخه‌ها قرار داریم. بحران‌های اقتصادی یک دهه گذشته در اقتصاد بین‌الملل، مداخلات دولت در عرصه اقتصاد ملی را افزایش داده است (حداد، ۱۴۰۱). اما این مداخله به مفهوم تصمیم دولت‌ها برای خودکفایی نبوده است. خودکفایی اقتصادی در دنیای به هم پیوسته امروز راهبردی شکست خورده است، اما روند مداخلات دولت‌ها در حوزه اقتصادی به خصوص در بحران‌های اقتصادی روندی تکرار شدنی خواهد بود (حداد، نشست علمی، ۱۴۰۱).

۱۱-۳ تقویت منطقه‌گرایی اقتصادی

برخی از کارشناسان معتقدند امکان جهانی‌زدایی وجود ندارد. به دلیل این که اقتصاد هر روز در مسیر شبکه‌ای و زنجیره‌ای‌تر شدن پیش می‌رود. با این وجود می‌توان به جای جهانی‌زدایی بحث تقویت منطقه‌گرایی را به عنوان یک ابرروند مورد توجه قرار داد (آقاجانی، ۱۴۰۱). منطقه‌گرایی نوین در طی دو دهه گذشته در نقاط مختلف جهان (آسیا، اروپا، آمریکا) به روندی رو به رشد تبدیل شده که منجر به فزونی تجارت بین کشورهای عضو و روان‌سازی جریان‌های مالی انسانی در درون منطقه شده است. این امر به عنوان گامی در مسیر تقویت جهانی شدن تلقی می‌شود اما برای عده‌ای، این رویکرد از یک سو موجب کاهش تجارت بین

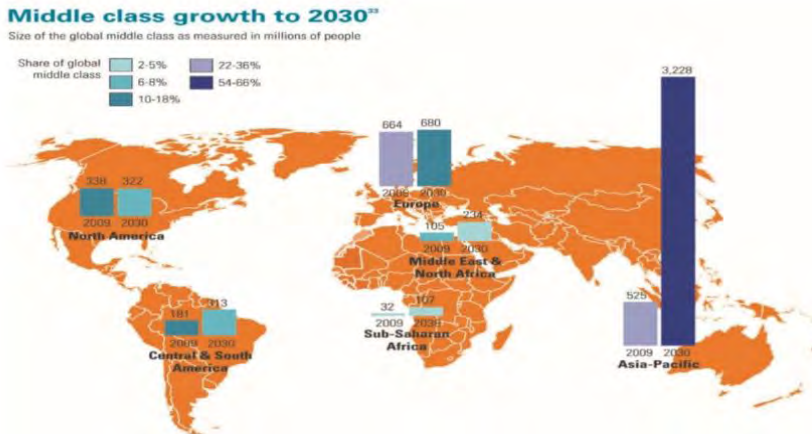
منطقه‌ای و کاهش فرایندهای اقتصادی جهانی و از سوی دیگر باعث تشدید زیان برای دیگر مناطق و کشورها شده است. بر این اساس منطقه‌گرایی مانعی در مقابل جهانی شدن تلقی می‌شود (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۰ - ۱۱۹).

تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت در سطح جهان تحت تأثیر بحران کرونا و جنگ اوکراین نیز ممکن است به منطقه‌گرایی اقتصادی منجر شود. از نظر اقتصادی پکن و مسکو برای کاهش اتکا به غرب (آمریکا و اروپا) و متحدانش، با هم کار می‌کنند: چین دیر زمانی است که خواهان رها شدن از دلار است، کاری که هم اکنون روسیه هم تقلای آن را دارد. از نظر فنی، خطوط این گسست پررنگ‌تر می‌شود. چین پیش از این خود را از اینترنت جهانی با به‌کارگیری یک فایروال بزرگ جدا کرده و سرمایه‌گذاری سنگینی بر روی ریزتراشه‌ها، هوش مصنوعی و خودروهای برقی صورت داده تا بر پیش‌تازی فن‌آورانه آمریکا و دوستان اروپا و آسیایی‌اش چیره شود (Schuman, 2022).

۱۲-۳ رشد طبقه متوسط اقتصادی

رشد طبقه متوسط اقتصادی در جهان بیشتر ناظر به کشورهای پرجمعیت در منطقه آسیا - پاسفیک می‌باشد. با بهبود وضعیت اقتصادی در کشورهایی مثل هند و چین، صدها میلیون نفر به طبقه متوسط جهان اضافه شده‌اند. طی سال‌های آینده ۸۰ درصد طبقه متوسط جهان در مناطق در حال توسعه مانند هند و چین زندگی خواهند کرد که این عدد در سال ۲۰۱۰ در حدود ۵۸ درصد بود. ۶۰ درصد جمعیت جهان نیز به طبقه متوسط تعلق خواهند داشت. در حالی که در سال ۲۰۰۹ فقط ۲۷ درصد جمعیت جهان در طبقه متوسط قرار داشتند. در نتیجه رشد طبقه متوسط اقتصادی یک بازار بزرگ مصرفی نسبتاً پایدار شکل خواهد گرفت (لشکر بلوکی، ۱۳۹۹). رشد کلی اقتصادی در اکثر اقتصادهای نوظهور احتمالاً به اعمال فشار سیاسی منجر می‌شود و این فشارها باعث در پیش گرفتن سیاست‌هایی خواهند شد که توزیع درآمد در داخل را بهبود ببخشند. این فشار سیاسی سبب یک تحول اجتماعی در جهان ۲۰۵۰ می‌شود و آن رشد طبقه متوسط جهانی است. این طبقه متوسط جهانی نه تنها ستون فقرات یک بازار بزرگ مصرف کننده خواهد بود بلکه احتمال دارد تأثیر زیادی روی سیاست‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه بگذارد (اندرو، فرانکلین، ۲۰۱۶).

نمودار شماره ۵: رشد طبقه متوسط جهانی تا سال ۲۰۳۰



منبع: Future State 2030, 2014

توضیح: داده‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۳۰ در منطقه آسیا - پاسفیک جمعیت طبقه متوسط به بیش از ۳ میلیارد و ۲۲۸ میلیون نفر خواهد رسید. در اروپا نسبت به سال ۲۰۰۹ تنها ۱۶ میلیون به طبقه متوسط این منطقه اضافه خواهد شد. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز طبقه متوسط رشد کمی خواهد داشت و تنها ۲۳۴ میلیون از جمعیت جزو طبقه متوسط خواهند بود. در آمریکای شمالی نیز از میزان طبقه متوسط نسبت به سال ۲۰۰۹ کاسته خواهد شد و از ۳۳۸ میلیون به ۳۲۲ میلیون نفر کاهش پیدا خواهد کرد.

۱. کلان روندهای اقتصادی

در این بخش به دنبال ادغام روندها و احصاء روندهای کلیدی و سپس ترسیم ماتریس تأثیر متقابل روندها و رویدادهای اقتصادی هستیم. روش کار بر اساس روش آینده‌پژوهی الگوی امتداد حال این گونه خواهد بود که بعد از ترسیم ماتریس نوبت به تدوین آینده‌های محتمل خواهد رسید و در ادامه نیز بر اساس منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و چارچوب نظری انتخاب شده بر اساس پیش‌ران‌ها، سناریوهای مطلوب، مرجح، قابل تحمل و نامطلوب برای جمهوری اسلامی ایران تعیین خواهند شد.

کلان روندهای آینده‌ساز در حوزه اقتصادی در سطح نظام بین‌الملل عبارتند از:

- رشد شتابان اقتصاد دیجیتال؛
- سرمایه‌گذاری گسترده در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر؛

- روند افولی بازار نفت؛
- خدمات محور شدن اقتصاد جهانی؛
- افزایش بحران اشتغال؛
- بحران در حوزه‌های کشاورزی به دلیل کمبود آب و گرم شدن کره زمین؛
- تقویت اقتصاد منطقه‌ای؛
- تقویت نقش قدرت‌های اقتصادی با محوریت چین در اقتصاد جهانی؛
- رشد ملی‌گرایی اقتصادی؛
- رشد طبقه متوسط اقتصادی.

۲. پیش‌ران‌های اقتصادی نظام بین‌الملل

برای تعیین پیش‌ران‌های اقتصادی نظام بین‌الملل نیز مثل بخش قبلی در ابتدا ماتریس تأثیر متقابل روندها و رویدادهای اقتصادی را ترسیم می‌کنیم و از درون این ماتریس پیش‌ران‌های بسیار قوی، قوی، متوسط و ضعیف استخراج می‌شود.

مانریس تأثیر متقابل روندها و رویدادهای اقتصادی										
نتایج	مطلقه گرایی اقتصادی	رشد طبقه متوسط	ملی گرایی اقتصادی	جهان آسیایی	لسب پذیری بخش کشاورزی	انرژی‌های تجدید پذیر	بحران نیروی کار	رشد خدمات	اقتصاد دیجیتال	
اقتصاد دیجیتال	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	*	۸ تقویت
رشد خدمات	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	*	تقویت	۸ تقویت
بحران نیروی کار	تقویت	تضعیف	تقویت تضعیف	تضعیف	تقویت	تقویت	*	تضعیف	تقویت	۴ تقویت ۳ تضعیف ۱ دووجهی
انرژی‌های تجدید پذیر	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	*	تقویت	تقویت	تقویت	۸ تقویت
آسیب پذیری بخش کشاورزی	تقویت	تقویت	تقویت تضعیف	تقویت	*	تضعیف	تقویت	تقویت	تضعیف	۵ تقویت ۲ تضعیف ۱ دووجهی
جهان آسیایی	تقویت	تقویت	تقویت تضعیف	*	تقویت تضعیف	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	۶ تقویت ۲ دووجهی
ملی‌گرایی اقتصادی	تضعیف	تضعیف	*	تقویت تضعیف	تقویت	تضعیف	تقویت تضعیف	تضعیف	تضعیف	۱ تقویت ۵ تضعیف ۲ دووجهی
رشد طبقه متوسط	تقویت	*	تقویت	تقویت	تقویت تضعیف	تقویت	تضعیف	تقویت	تقویت	۶ تقویت ۱ تضعیف ۱ دو وجهی
مطلقه گرایی اقتصادی	*	تقویت	تضعیف	تقویت	تضعیف تقویت	تقویت	تضعیف	تقویت	تقویت	۵ تقویت ۲ تضعیف ۱ دووجهی

بر اساس ماتریس تأثیر متقابل روندها و رویدادهای اقتصادی، پیش‌ران‌های بسیار قوی، قوی

متوسط و ضعیف به ترتیب عبارتند از:

- پیش‌ران‌های بسیار قوی
- رشد شتابان اقتصاد دیجیتال
- رشد بخش خدمات
- افزایش سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر

پیش‌ران‌های قوی

- جهان آسیایی (نقش قدرت‌های آسیایی در اقتصاد بین‌الملل)
- رشد طبقه متوسط

پیش‌ران‌های متوسط

- منطقه‌گرایی اقتصادی
- آسیب‌پذیری بخش کشاورزی
- افزایش بحران اشتغال

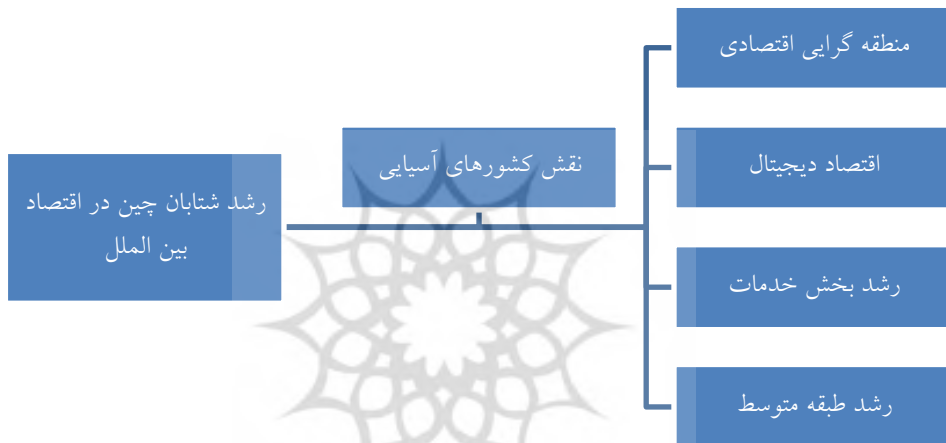
پیش‌ران‌های ضعیف

- ملی‌گرایی اقتصادی

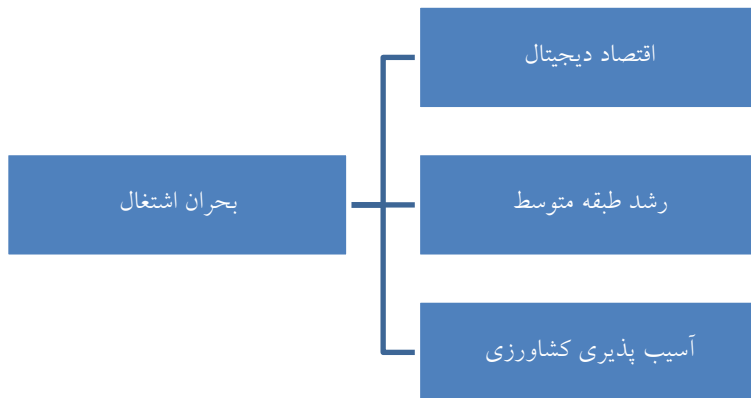
۳. آینده‌های محتمل نظام اقتصاد بین‌الملل تا ۲۰۳۰

- نظام اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۳۰ روند شتابانی به سمت اقتصاد دیجیتال و فن‌آورانه، انرژی‌های تجدید پذیر و اقتصاد خدمات محور خواهد داشت.
- اقتصاد دیجیتال و فن‌آورانه، انرژی‌های تجدیدپذیر، اقتصاد خدمات محور و افزایش نقش قدرت‌های آسیایی در اقتصاد بین‌الملل به صورت مستقیم و غیرمستقیم از پیش‌ران‌های قوی اقتصادی بوده و آینده محتمل مربوط به این پیش‌ران‌ها حرکت شتابان اقتصاد جهانی به سمت اقتصاد دیجیتال، انرژی‌های تجدید پذیر و اقتصاد خدمات محور خواهد بود.

- تا سال ۲۰۳۰ قدرت‌های آسیایی به خصوص چین سهم فزاینده‌ای در اقتصاد و تجارت بین‌الملل خواهند داشت.
- یکی از مهم‌ترین روندهای اقتصادی در طی سال‌های آینده، انتقال قدرت اقتصادی از اروپا و آمریکا به سمت آسیا خواهد بود. روندی که طی بیست سال اخیر آغاز و شتاب گرفته است. این آینده محتمل نیز از پیش‌رمان‌های جهان آسیایی، رشد طبقه متوسط، رشد بخش خدمات، افزایش نقش اقتصاد دیجیتال و منطقه‌گرایی اقتصادی حمایت و پشتیبانی می‌شوند.



- تا سال ۲۰۳۰ بحران اشتغال در سطح جهانی افزایش خواهد داشت.
- بحران نیروی کار و اشتغال پیش‌رانی است که تا دهه ۲۰۳۰ میلادی و به خصوص ۲۰۵۰ میلادی تأثیرات بسیار مهمی را در اقتصاد و سیاست بین‌الملل خواهد داشت. پیش‌رمان‌های اقتصاد دیجیتال، رشد طبقه متوسط، بحران در بخش کشاورزی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بحران اشتغال در سطح جهانی را افزایش می‌دهند.



- تا سال ۲۰۳۰ اقتصاد کشاورزی آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی خواهد داشت.
- آسیب‌پذیری اقتصاد بخش کشاورزی محصول پیش‌ران‌های رشد بخش خدمات، رشد طبقه متوسط، منطقه‌گرایی اقتصادی خواهد بود. نکته مهم در مورد این آینده محتمل این است که پیش‌ران‌های بسیار قوی در حوزه زیست محیطی نیز مثل افزایش دمای هوا آن را پشتیبانی می‌کند.



۱. سناریو نویستی و تحلیل نظری اقتصادی برای ج.ا.ایران

نگاهی به آینده‌های محتمل در حوزه اقتصاد و تجارت بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ میلادی مثل حرکت به سمت اقتصاد دیجیتال، انرژی‌های تجدید پذیر، رشد اقتصاد خدمات محور و افزایش نقش آسیا در اقتصاد و تجارت بین‌الملل نشان می‌دهد، بهترین راهنمای عمل بازیگران، نظریه نهادگرایی نئولیبرال خواهد بود. امروزه نهادها و رژیم‌ها بین‌المللی بویژه در حوزه اقتصاد و

تجارت بین‌الملل بخش بسیار مهمی از اقتصادی سیاسی بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. در مورد این که نهادها چه نقشی در همکاری بین دولت‌ها یا مدیریت منازعات ایفا می‌کنند، بین نظریات روابط بین‌الملل اختلاف نظر وجود دارد. شاید هیچ نظریه‌ای در روابط بین‌الملل مانند «نئولیبرالیسم» یا «نهادگرایی نئولیبرال» به موضوع نهادها، رژیم‌ها در روابط بین‌الملل نپرداخته باشد. بر اساس نظریه «نهادگرایی نئولیبرال» هدف و کارکرد اصلی نهادها و رژیم‌های بین‌الملل تعدیل آنارشی و تسهیل همکاری بین کشورها در وضعیت آنارشیک نظام بین‌الملل است. بر این اساس در بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نیز انتظاری که از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌رود، تسهیل همکاری بین طرفین بحران و حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران‌های بین‌المللی است (دهقانی، ۱۳۹۴).

هر چهار آینده محتمل که در بخش قبلی ذکر شد ضرورت همکاری با نهادها و رژیم‌های بین‌المللی را در حوزه اقتصاد - سیاسی بین‌الملل برای بهره‌گیری حداکثری در راستای منافع ملی و به حداقل رساندن تهدیدات برای جمهوری اسلامی ایران ضروری می‌سازد. در حوزه بهره‌گیری از منافع حرکت به سمت اقتصاد دیجیتال، اقتصاد خدمات محور و منطقه‌گرایی حضور در نهادها و رژیم‌های این حوزه را برای جمهوری اسلامی ایران ضروری می‌سازد. از سوی دیگر مقابله با تأثیرات آینده‌های احتمالی مثل افزایش استفاده از انرژی‌های تجدید (کاهش بهای نفت)، بحران اشتغال و آسیب‌پذیری بخش کشاورزی، ضرورت اقدام دسته جمعی از سوی بازیگرانی که متأثر از این پیش‌ران‌ها خواهند بود، امری ضروری است. ایجاد نهادها و رژیم‌های منطقه‌ای جدید با مشارکت دولت‌های ذی‌نفع و مشارکت فعال در نهادها و رژیم‌های کنونی در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران برای رویارویی با این تهدیدات ناشی از آینده‌های محتمل برشمرده ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

نهادها و رژیم‌های کنونی که در حوزه اقتصاد و تجارت بین‌الملل وجود دارند، محصول روندهای تجاری و اقتصادی حاکم بر دنیا طی ۷۰ سال گذشته هستند و بسیاری از روندهای پرشتاب کنونی در حوزه‌های اقتصادی مثل اقتصاد دیجیتال و تغییر انتقال قدرت اقتصادی از اروپا و آمریکا به سمت آسیا با رژیم‌ها و نهادهای کنونی قابل مدیریت نیستند. بر همین اساس طی سال‌های آینده در حوزه‌های اقتصادی و تجاری ضرورت ایجاد رژیم‌ها و نهادهای جدید به صورت صریح یا ضمنی که همکاری را تسهیل کرده و جلوی فریب‌کاری را بگیرد و متجاوز را تنبیه کند، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. لذا چنان که گفته شد، هم نظریه نهادگرایی

نئولیبرال توصیه می‌کند و هم منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند که ایران در شکل‌گیری این نهادها و رژیم‌های جدید مشارکت حداکثری داشته باشد. در ادامه سناریوهای مطلوب، مرجع، قابل تحمل و نامطلوب اقتصادی را تا سال ۲۰۳۰ ترسیم می‌شوند.

تا سال ۲۰۳۰ قدرت‌های آسیایی به خصوص چین سهم فزاینده‌ای در اقتصاد و تجارت بین‌الملل خواهند داشت. (سناریوی مطلوب)

طبق نظریه نهادگرایی نئولیبرال، نهادها و رژیم‌های کنونی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی همکاری را تسهیل و جلوی فریب‌کاری را می‌گیرند. چرخ دنده‌های اقتصاد - سیاسی بین‌الملل در طی چند دهه گذشته توسط آمریکا پایه‌ریزی شده و بسیاری از این رژیم‌ها و نهادها نیز توسط آمریکا پایه‌گذاری شده و مدیریت می‌شوند. به دلیل تنش‌های موجود در روابط بین ایران و غرب، آمریکا از این نهادها و رژیم‌ها به خصوص در حوزه اقتصادی و امنیتی بیشترین استفاده را برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران و تحمیل هزینه علیه کشور صورت داده است. افزایش سهم آسیا و به خصوص چین در اقتصاد و تجارت بین‌الملل از این نظر سناریوی مطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این سناریو این امکان را دولت جمهوری اسلامی ایران می‌دهد که تبعات منفی اعمال رژیم‌های اقتصادی لیبرال بر ضد کشور را مدیریت کند. از سوی دیگر با تضعیف نهادها و رژیم‌های لیبرال و به دلیل انتقال اقتصادی از غرب به شرق زمینه تأسیس نهادها و رژیم‌های جدیدی در حوزه اقتصاد و تجارت بین‌الملل فراهم می‌شود. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این رژیم‌ها متنفع شود. چنان‌که پیش از این نیز در بخش تحلیل نظری گفته شد، جمهوری اسلامی ایران در روند تأسیس نهادها و رژیم‌های جدید در حوزه اقتصاد و تجارت بین‌الملل باید حداکثر مشارکت و همکاری را با بازیگران این عرصه داشته باشد تا از منافع این نهادها و رژیم‌ها بیشترین استفاده را ببرد. بعد از جنگ اوکراین تلاش گسترده‌ای از سوی چین و روسیه برای مقابله با نهادها و رژیم‌های لیبرال و تأسیس رژیم‌های ضد تحریمی آغاز شده است و جمهوری اسلامی ایران نیز که طی چند دهه گذشته بیشترین ضرر را از این رژیم‌های لیبرال تحریمی متحمل شده است، ضروریست تا در این روندها مشارکت فعالی داشته باشد. جدای از بحث نهادها و رژیم‌های جدید، ارتقاء جایگاه چین در اقتصاد بین‌الملل برای ایران که نگاه به شرق دارد و به دنبال ایجاد روابط راهبردی با چین و قدرت‌های آسیایی است، سناریوی مطلوبی محسوب می‌شود.

• نظام اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۳۰ روند شتابانی به سمت اقتصاد دیجیتال و فن-آورانه، اقتصاد خدمات محور خواهد داشت. (سناریوی مرجح مشروط)

رشد و گسترش اقتصاد دیجیتال و فن‌آورانه و اقتصاد خدمات محور طی دهه‌های آینده بر اساس نظریه نهادگرایی نفولبرال ضرورت همکاری هرچه بیشتر بازیگران اعم از دولت‌ها و شرکت‌ها را برای انتفاع بیشتر و جلوگیری از فریب‌کاری ضروری می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران نیز گریزی از این همکاری‌ها ندارد. حرکت به سمت اقتصاد دیجیتال و فن‌آورانه، و اقتصاد خدمات محور مزایا و البته مضراتی برای جمهوری اسلامی ایران دارد. از این‌رو، این سناریو با مدیریت فرصت‌ها و تهدیدهای آن می‌تواند سناریوی مرجح مشروط برای جمهوری اسلامی ایران تلقی شود. این سناریو در صورتی می‌تواند برای ایران سناریویی ترجیح‌دار باشد که سیاست‌های کلان اقتصادی ایران اصلاح و زمینه‌های بهره‌برداری ایران از فن‌آوری‌های جهانی تمهید و تدبیر شود. جمعیت جوان و تحصیل کرده کشور می‌تواند به‌عنوان بهترین ابزار و ظرفیت برای رشد اقتصاد دیجیتال و دانش بنیان در کشور مورد استفاده قرار بگیرد. از سوی دیگر اقتصاد دیجیتال، وابستگی کشور به شبکه جهانی اینترنت را بیش از پیش تعمیق می‌بخشد و کنترل غرب بر این فرایندها و نیز شبکه‌های داده‌ای جهانی، آسیب پذیری کشور را بیش از پیش در این حوزه نمایان‌تر می‌کند.

- تا سال ۲۰۳۰ بحران اشتغال در سطح جهانی افزایش خواهد داشت. (سناریوی قابل تحمل مشروط)

افزایش بحران اشتغال در سطح جهانی نیز به شرطی می‌تواند سناریوی قابل تحملی برای ایران باشد که سیاست‌های اقتصادی ایران جهت تعامل با نظام تجارت بین‌الملل تغییر نکند. با این وجود روند پیری جمعیت ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای توسعه یافته، روند پیری رشد کمتری داشته و ایران کشور جوانی محسوب می‌شود، لذا به نظر می‌رسد با تشدید بحران اشتغال در بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این وضعیت به نفع کشور استفاده کرد و معضل بیکاری در بین جمعیت جوان و تحصیل کرده کشور را تا حدودی مدیریت کند.

- تا سال ۲۰۳۰ اقتصاد کشاورزی آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی خواهد داشت. (سناریوی نامطلوب)

ایران در منطقه خاورمیانه و در بین کشورهای خشک و نیمه‌خشک قرار گرفته است. تغییرات آب‌وهوایی به وضوح نشان می‌دهد که کشور وارد دوران خشک‌سالی شده است. در این حوزه نیز مهم‌ترین آسیب‌پذیری را بخش کشاورزی کشور متحمل خواهد شد و از این منظر آسیب‌پذیری بخش کشاورزی سناریوی نامطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید؛ چرا که تهدیدات اقتصادی، سیاسی و امنیتی گسترده‌ای را متوجه کشور می‌کند. تضعیف بخش کشاورزی کشور به دلیل تغییرات آب‌وهوایی، زنجیره تأمین کالاهای استراتژیک مثل گندم و مدیریت عرضه و تقاضا را در زنجیره تأمین غذایی کشور نیز متأثر کرده و ممکن است صدمات امنیتی گسترده‌ای نیز برای کشور به‌دنبال داشته باشد. بر اساس نظریه نهادگرایی نئولیبرال همکاری دولت‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی به منظور مقابله با صدمات اقتصادی و امنیتی ناشی از بحران‌های بخش کشاورزی، ضروری است.

• نظام اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۳۰ روند شتابانی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر خواهد داشت. (سناریوی نامطلوب)

در صورت سرمایه‌گذاری روی انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، می‌توان برخی از معضلات زیست محیطی مثل آلودگی هوا یا آلودگی منابع آبی کشور را مدیریت کرد. با این وجود باید توجه داشت که وابستگی اقتصادی ایران به انرژی‌های فسیلی و عمده درآمد ایران از محل فروش نفت و گاز تا سال ۲۰۳۰ ادامه خواهد داشت. حرکت جهانی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش شدید استفاده از انرژی‌های فسیلی مثل نفت و گاز را به دنبال خواهد داشت که مزیت نسبی ایران در این حوزه تعریف می‌شود. از سوی دیگر، اگر ارزش انرژی‌های هیدروکربنی به دلیل حرکت جهان به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر و سبز کاهش پیدا نکند، طبعاً ارزش ژئوپلیتیکی آن مناطق هم کاهش پیدا می‌کند. کاهش وابستگی جهانی به نفت و گاز، افت شدید قیمت این محصولات را به دنبال داشته و منابع درآمدی کشور را در این حوزه-ها به شدت کاهش خواهد داشت. با این وجود، می‌توان از خام‌فروشی نفت و گاز اجتناب کرده و با سرمایه‌گذاری منابع درآمدی این حوزه در سایر حوزه‌های استراتژیک، تهدیدها را در این زمینه مدیریت کرد.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

- آقاجانی، سعادت (۱۴۰۱)، *روندهای سیاسی امنیتی تا ۲۰۳۰*، مصاحبه با سید محمد امین‌آبادی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۱/۳/۲.
- آجیلی، هادی (۱۴۰۱)، *نشست علمی آینده‌پژوهی محیط بین‌المللی در حوزه اقتصادی تا سال ۲۰۳۰*، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۱/۲/۱.
- اندروز، جان؛ فرانکلین، دنیل (۲۰۱۲)، *بیست تغییر بزرگ در سال ۲۰۵۰*، مترجمان سعید ارکان‌زاده یزدی... [و دیگران]؛ تهران: نشر کار آفرین، نوبت چاپ پنجم سال ۱۳۹۵.
- حداد، غلامرضا (۱۴۰۱)، *نشست علمی آینده اقتصاد نظام بین‌الملل تا ۲۰۳۰*، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۱/۲/۲۷.
- حیدری، محدثه (۱۴۰۰)، *روندهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل تا ۲۰۳۰*، مصاحبه با سیدرضا موسوی‌نیا، دانشگاه علامه طباطبائی ۱۴۰۰/۱۲/۱۸.
- لشکرلوکی، مجتبی (۱۳۹۹)، «*تصویری از جهان در سال ۲۰۳۰*»، به سفارش هلدینگ پارس سرمایه مدیا.
- شکری، مرتضی (۱۴۰۱)، *نشست علمی روندهای آینده‌ساز در محیط زیست بین‌المللی*، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۱/۲/۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، *نظریه‌ها و فرایندها در روابط بین‌الملل*، تهران: نشر مرکز.
- رئیس‌نژاد، آرش (۱۴۰۱)، *روندهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل تا ۲۰۳۰*، مصاحبه با سید محمد امین‌آبادی، دانشگاه علامه طباطبائی ۱۴۰۱/۳/۲.
- موسوی، محمد علی (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی انفکاک یا هم‌گرایی؟»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال اول، شماره سوم.

ب - گزارش‌های فارسی

- «گزارش تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۹»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی در: <https://www.cbi.ir/page/22856.aspx>
- «تغییرات آب و هوایی؛ زنگ خطری برای کشاورزی جهان»، (ایرنا، ۱۰ بهمن ۱۳۹۹)، برگرفته از: <https://www.irna.ir/news/84199711/%d8%aa%d8%ba%db%8c%db%8c%d8%b1%d8%a7>.
- جان کری جنگ اوکراین را نشانگر ضرورت گذار به سمت انرژی‌های پاک و مستقل دانست»، (ایسنا، ۲۴ فروردین ۱۴۰۱)، برگرفته از: <https://www.isna.ir/news/1401012413685/%D8%AC%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D8%B1%DB%8C-%D8%AC%D9%86%DA%AF->

ج - منابع انگلیسی

- «Exploring the Civil-Military Divide over Artificial Intelligence» (2022), **Rand**, available at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA1498-1.html
- “Analysis: Debt in a warm climate: coronavirus and carbon set scene for default” (2021), **Reuters**, available at: <https://www.reuters.com/business/sustainable-business/debt-warm-climate-coronavirus-carbon-set-scene-default-2021-08-12/>
- Slaughter, Matthew J, MC cormic, David H.(2021), Washington Needs to Craft New Rules for the Digital Age, **Foreign affairs**, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-04-16/data-power-new-rules-digital-age>
- «Key Trends in the Global Economy through 2030», (2030), **CSIS**, At: <https://www.csis.org/analysis/key-trends-global-economy-through-2030>
- “The Euro Area Workforce is Aging, Costing Growth” (2016), **IMF**, At: <https://blogs.imf.org/2016/08/17/the-euro-area-workforce-is-aging-costing-growth/>
- «Everything You Need to Know About the Global Supply Chain Crisis»,(2021), **Bloomberg**, At: <https://www.bloomberg.com>.
- «Bank Of America: EVs To Lead To Peak Oil Demand In 2030» (2018), **Oilprice**, At: <https://oilprice.com/Energy/Energy-General/Bank-Of-America-EVs-To-Lead-To-Peak-Oil-Demand-In-2030.html>
- «Future State 2030: The Global Megatrends Shaping Governments» (2014), **Mowat Centre**, At: <https://assets.kpmg.com>
- «Analysis: Debt in a warm climate: coronavirus and carbon set scene for default »(2021), **Reuters**, At: <https://www.reuters.com/business/sustainable-business/debt-warm-climate-coronavirus-carbon-set-scene-default-2021-08-12/>
- «Global sovereign debt to rise almost 10% to new high in 2022 - Janus Henderson »(2022), **Reuters**, At: <https://www.reuters.com/world/global-sovereign-debt-rise-almost-10-new-high-2022-janus-henderson-2022-04-05/>
- Schuman, Michael(2022), “The World Is Splitting in Two”, **The atlantic**, available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2022/03/ukraine-war-china-covid-lockdowns/629401/>